

اخبار حوادث

قتل در تهران، دستگیری در ارومیه

مخفیگاه عامل جنایت مرد تنها پس از ۳ ماه تحقیقات پلیسی در ارومیه شناسایی شد. ساعت ۲۳ و ۵۰ دقیقه شامگاه شنبه ۱۹ خرداد ماه امسال مرد جوان که نگران سرنوشت برادرش بود به خانه وی در منطقه باغ فیض مراجعه کرد. مرد جوان هر چه در خانه را به صدار آورد بی فایده بود تا اینکه در خانه را باز کرد و زمانی که پای در خانه گذاشت با صحنه هولناکی روبرو شد و درخواست کمک وی کافی بود تا تیمی از ماموران کلانتری ۱۴۰ باغ فیض در محل حاضر شوند. ماموران با حضور در خانه مرد تنها در طبقه دوم ساختمان با جسد خونین مرد ۴۵ ساله روبرو شدند و بدین ترتیب تیمی از ماموران اداره ۱۰ پلیس آگاهی تهران همراه باز پرس ویژه قتل برای تجسس های ویژه پای در محل گذاشتند. برادر ربانی جنایت معمایی که باور نداشت برادرش به قتل رسیده به کار آگاهان گفت: هر چه با برادرم تماس می گرفتم پاسخگو نبود و چون نگران او بودم به در خانه اش مراجعه کردم اما در خانه را نیز باز نکرد تا اینکه وارد ساختمان شدم و با جسد خونین برادرم روبرو شدم.

در این مرحله باز پرس ویژه قتل دستور داد تا جسد مرد تنها که هدف ضربات چاقو قرار گرفته به پزشکی قانونی منتقل شود.

تجسس های پلیسی برای دستگیری عامل این جنایت معمایی در دستور کار ماموران اداره ۱۰ پلیس آگاهی تهران قرار گرفت تا اینکه کار آگاهان موفق به شناسایی عامل جنایت شدند. همین کافی بود تا کار آگاهان با اقدامات فنی و پلیسی مخفیگاه عامل این جنایت را که پسر ۱۸ ساله ای بود در شهرستان ارومیه شناسایی کردند. بدین ترتیب صبح دیروز ماموران در عملیاتی غافلگیرانه این پسر جوان را در ارومیه دستگیر کردند.

بنابه این گزارش، عامل این جنایت پس از دستگیری به تهران منتقل می شود و تحقیقات تکمیلی در این پرونده ادامه دارد.

دارد جنجال رسوایی اخلاقی شورای شهر بابل

پشت پرده ماجرای فیلمی که منتسب به فساد شورای شهر بابل است راز گشایی کرد. در پی ماجرای رسوایی جنسی در شورای شهر بابل به تازگی فیلمی در فضای مجازی منتشر شده است که برخی از کاربران در شبکه های اجتماعی آن را به شورای شهر بابل نسبت داده اند.

در پیگیری ها مشخص شد که این فیلم مربوط به کشور عراق بوده و هیچ گونه ارتباطی با ماجرای رسوایی جنسی در شورای شهر بابل ندارد. نکته قابل توجه این است که عده ای با هدف تخریب امام جمعه مردمی این شهر با اهداف مشخص شده دست به چنین اقدامی زده اند اما با فاش شدن دروغ آن ها در این راه ناکام ماندند. این در حالی است که کانال تلگرامی شورای شهر بابل توسط افراد ناشناس هک شده است و این فیلم در این کانال با نیت تشویش آذهان عمومی بارگذاری شده است. پیگیری ها حاکی از آن است که زن عکاس که رقیه نام داشته و با اعضای شورای شهر بابل در ارتباط بود است این افراد را به اتیله خود کشنده و با شش دوربین بصورت حرفه ای از ارتباط خود با آن ها فیلمبرداری کرده است و هیچ یک از اعضای شور با این زن در محل کار خود هیچ گونه رابطه ای نداشته اند.

نجات جان کودک غرق شده در یستون

فرمانده یگان حفاظت میراث فرهنگی ناجا گفت: با سرعت عمل نیروهای یگان حفاظت، کودک غرق شده را مرگ حتمی نجات یافت. سردار امیر رحمت الهی فرمانده یگان حفاظت ناجا از غرق شدن کودکی در مجاور مجموعه تاریخی یستون خبر داد و اظهار داشت: این حادثه در نیمه دوم شهریور ماه و در بر که مجاور محوطه تاریخی یستون رخ داد. سردار رحمت الهی تصریح کرد: نیروهای یگان حفاظت مجموعه به محض اطلاع از حادثه در محل حاضر و با سرعت عمل احادی از سر بازان وظیفه جمعی یگان حفاظت استان کرمانشاه، کودک غرق شده را مرگ حتمی نجات یافت. فرمانده یگان حفاظت افزود: به محض خروج کودک از آب و انجام کمک های اولیه توسط چندین تن از مراقبین آثار تاریخی حاضر در مجموعه، کودک نجات یافته صحیح و سالم به خانواده خود تحویل داده شد و این فرماندهی با اعطای یک هفته مرخصی تشویقی به سرباز موصوف از اقدام شایسته وی و قدر دانی کرد.

است. از این رو برای متهم اشد مجازات می خواهم. **ادعای بی گناهی** وقتی خسرو در جایگاه ویژه ایستاد منکر اتهاماتش شد و ادعا کرد شاکي ها را نمی شناسد. اما وکیل مدافع وی گفت: متهم یک بیمار روحی و جنسی است و به همین خاطر دست به چنین کاری زده است. او تا این سن مجرد مانده و بیماری روحی و جنسی اش نیز از سوی پزشکی قانونی تایید شده است. از این با توجه به سابقه بیماری اش تقاضای تخفیف در مجازات رادارم. در پایان جلسه هیات قضایی وارد شور شد تا رای صادر کند.

حمل مواد مخدر به من مشکوک شده است. من که ترسیده بودم سوار ماشین او شدم اما در میان راه حرف های بدی به زبان آورد و بدنام را لمس کرد. سپس مرا را هر کرد و رفت. شاکي دیگر نیز گفت: من آن زمان ۱۵ سال داشتم و از مدرسه به خانه بر می گشتم که به دام این مرد افتادم. او نیت ششومی در سر داشت. من گریه کردم تا مرا را هانکند اما بعد از لمس کردن بدنم مرا را هر کرد. سپس وکیل مدافع دو شاکي به دفاع پرداخت و گفت: پزشکی قانونی جرم را روی لباس های دو دختر نوجوان گزارش کرده و این نشان می دهد خسرو قصد آزار آنها را داشته

در دادگاه

وی که با چندین شکایت مشابه تحت تعقیب پلیس قرار گرفته بود سرانجام ردیابی و بازداشت شد و دیروز در شعبه پنجم دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه ایستاد. **۲ شکار** در این جلسه تنها دو نفر از شاکي ها که هنگام وقوع جرم ۹ و ۱۵ سال داشتند حاضر شدند. دو دختر ۱۱ و ۱۷ ساله دیروز روبه روی قضات ایستادند و به تشریح ماجرا پرداختند. دختر ۱۱ ساله گفت: این مرد خودش را مامور پلیس معرفی کرد و از من خواست سوار ماشینش شوم. او می گفت به خاطر

گروه حوادث: مرد شیطان صفت

در نقش پلیس ۹ دختر و پسر نوجوان را به رابه شوم خود کشاند. این مرد دیروز در حالی پای میز محاکمه ایستاد که وکیل وی مدارکی ارائه داد که نشان می داد این مرد بیمار روانی و جنسی است. **پلیس شیطان صفت** خسرو ۴۵ ساله که مجرد است خودش را مامور مبارزه با مواد مخدر معرفی می کرد و با ماشین در خیابانها پرسه می زد. او هفت دختر و دو پسر ۹ تا ۱۵ ساله را به بهانه های واهی سوار ماشین می کرد تا به هدف شومش برسد.



خبر

در خیابان ایتالیای تهران رخ داد

مرگ معماگونه عروس ۲ هفته ای

گروه حوادث: عروس ۲ هفته ای در معمایی مرموز از طبقه ۵ سقوط کرد و به کام مرگ فرو رفت. این زن ۲ سال بعد از جدایی با شوهرش ازدواج کرده بود.

حادثه در خیابان ایتالی

ساعت ۷ عصر سه شنبه ۲۰ شهریور ماه سال جاری یکی از اهالی ساختمان طبقه در خیابان ایتالیا وقتی وارد پارکینگ ساختمان شد با جسد خونین زن جوان روبرو شد. مرد همسایه وقتی به سراغ جسد خونین زن جوان رفت متوجه شد که او همان همسایه طبقه پنجم است و احتمال داد که او از بالای ساختمان به پایین سقوط کرده است.

پلیس در صحنه

بدین ترتیب تیمی از ماموران کلانتری ۱۴۸ انقلاب همراه امدادگران اورژانس برای بررسی و

از ۶ سال زندگی مشترک به خاطر بالاگرفتن اختلافات خانوادگی، زوج جوان تصمیم به جدایی می گیرند اما پس از ۲ سال جدایی، زوج جوان روز ۷ شهریور ماه امسال بار دیگر زندگی مشترکشان را آغاز کرده اند.

تجسس ها نشان از آن داشت که پس از ۲ هفته اختلافات آنها بار دیگر شدت گرفته است.

دستگیری شوهر

در این شاخه از تحقیقات ماموران، مهدی را که در صحنه جرم حضور داشت هدف بازجویی قرار دادند.

مرد جوان به ماموران گفت: پس از دو هفته زندگی مجدداً به همسرم بار دیگر اختلافاتمان بالا گرفت تا اینکه ساعت ۶ عصر سه شنبه وقتی درگیری مان شدت گرفت از خانه خارج شده و به خانه پدری ام در خیابان دماوند رفتم.

پلیس از مردم کمک خواست

مخفیگاه قاتل همسرکش کجاست!؟

گروه حوادث: مرد جوان در اقدامی هولناک همسرش را

به قتل رساند و پس از رساندن دخترش به مدرسه ناپدید شد. پلیس آگاهی تهران با توجه به فراری بودن متهم برای دستگیری مرد همسرکش از مردم درخواست کمک کرد.

پدر نگران

عقربه ساعت ۸ صبح ۱۶ بهمن ماه سال ۱۳۹۵ با نشان می داد که پدر ۵۰ ساله برای رساندن دخترش به محل کارش در جلوی ساختمان دامادشان منتظر بود.

لحظات به سختی می گذشت و دلشوره عجیبی به دل پدر خانواده افتاده بود و هر چه منتظر ماند تا دخترش مثل هر روز از خانه خارج شود و به محل کارش برود بی فایده بود.

علی از خودرو پیاده شد و رنگ خانه دخترش را به صدا در آورد اما کسی پاسخگو نبود و هر چه منتظر ماند جویی نشنید. پدر نگران با گوشی موبایل دخترش تماس گرفت و اینبار نیز جوابی نشنید و دلشوره عجیبی بر دلش افتاده بود، سپس با شماره موبایل دامادشان تماس گرفت اما و نیز جواب نمی داد.

رو بارویی با جسد دختر

علی که نگران سرنوشت دختر و دامادش بود به سرعت سوار بر خودرویش شد و به سمت مدرسه نوه اش رفت و از هلیا در مورد پدر و مادرش پرسید که دختر بچه ادعا کرد پدرش

گروه حوادث: مرد جوان در اقدامی هولناک همسرش را

به قتل رساند و پس از رساندن دخترش به مدرسه ناپدید شد. پلیس آگاهی تهران با توجه به فراری بودن متهم برای دستگیری مرد همسرکش از مردم درخواست کمک کرد.

عقربه ساعت ۸ صبح ۱۶ بهمن ماه سال ۱۳۹۵ با نشان می داد که پدر ۵۰ ساله برای رساندن دخترش به محل کارش در جلوی ساختمان دامادشان منتظر بود. لحظات به سختی می گذشت و دلشوره عجیبی به دل پدر خانواده افتاده بود و هر چه منتظر ماند تا دخترش مثل هر روز از خانه خارج شود و به محل کارش برود بی فایده بود. علی از خودرو پیاده شد و رنگ خانه دخترش را به صدا در آورد اما کسی پاسخگو نبود و هر چه منتظر ماند جویی نشنید. پدر نگران با گوشی موبایل دخترش تماس گرفت و اینبار نیز جوابی نشنید و دلشوره عجیبی بر دلش افتاده بود، سپس با شماره موبایل دامادشان تماس گرفت اما و نیز جواب نمی داد.

تحقیقات پلیسی

در این مرحله ماموران کلانتری با حضور در صحنه جرم با جسد خونین زن جوان روبرو شدند و با تحت نظر قرار دادن صحنه جرم باز پرس ویژه قتل را در جریان این جنایت هولناک قرار دادند. بدین ترتیب تیمی از ماموران اداره ۱۰ پلیس آگاهی تهران همراه باز پرس ویژه قتل در صحنه جرم حاضر شدند و ابتدا پدر قربانی جنایت را هدف تحقیق قرار دادند. علی در تحقیقات پلیسی گفت: هر روز صبح دخترم را به محل کارش می رسانم اما صبح امروز هر چه منتظر ماندم خبری از دخترم نشد که با

موبایل او و دامادمان تماس گرفتم اما هر ۲ آنها موبایلشان را جواب نمی دادند به همین خاطر به مدرسه نوه ام رفته و با گرفتن کلید خانه شان توانستم وارد خانه دخترم شوم که در اتاق خواب با جسد خونین دختر جوانم روبرو شدم.

آخرین جمله مرد همسرکش به دخترش

هلیا پس از تعطیلی مدرسه وقتی به جلوی خانه شان رسید در برابر خودروهای پلیس قرار گرفت و هنوز نمی دانست چه اتفاقی برای مادرش رخ داده تا اینکه وارد ساختمان شد و وقتی پدر بزرگش او را با چشمان گریان در آغوش گرفت متوجه شد که مادرش به قتل رسیده است. هلیا وقتی شنید مادرش به

قتل رسیده در تحقیقات پلیسی گفت: ساعت ۷ صبح از خواب بیدار شدم و پدرم که صبحانه ام را آماده کرده بود داخل کیفم گذاشت و پس از پوشیدن لباس هایم، پدرم سونج خودرو را در اختیارم قرار داد و خواست به پارکینگ بروم و داخل خودرو منتظرش باشم. وی افزود: داخل خودرو بودم که یادم افتاد توپ تنیس را بر نداشتم به همین خاطر دوباره به بالا پر گشتم که دیدم مادرم داخل پذیرایی رو مبلی نشسته و گوشی موبایلش را بر سر می کند که با برداشتن توپ تنیس از خانه خارج شدم و سوار بر خودرو و منتظر پدرم ماندم. هلیا ادامه داد: بعد از ۵ دقیقه پدرم به پارکینگ آمد و سوار بر خودرو به سمت مدرسه رفتم که در مسیر پدرم چندبار جمله ای را تکرار کرد که در گذشته از او این جمله را نشنیده بودم. پدرم در مسیر مدرسه بارها گفت که «مواظب خودت باش». دختر خانواده گفت: پدر و مادرم روز جمعه با هم دعوا کردند و من صدای



اظهارات دو متهم را پذیرفت. به این ترتیب با تخفیف در مجازات محمد را به ۵ سال زندان و دوستش را به دو سال زندان محکوم کرد.

راضی کردن خانواده اش با این ازدواج او را خواستم تا یک شب در خانه دوست متاهلم بهنام. وی ادامه داد: من نمی دانستم کاری که انجام داده ام آدم ربایی است و مجازات ۱۵ سال زندان را به دنبال دارم. من اشتباه کردم و طبق رسم قدیمی دست به این کار زدم. دوست محمد نیز به دفاع پرداخت و گفت: وقتی محمد به من گفت با مخالفت خانواده مهسا برای ازدواج روبه رو شده و به او اجازه دادم تا برای یک شب مهسا را به خانه ام بیاورد تا شاید از این طریق پدر مهسا به این ازدواج راضی شود. ما در فامیل و بستگانمان مورد های این چنینی زیادی داریم و همه تر ک زبان هالین رسم قدیمی را به خوبی می دانند. ما قصد آدم ربایی و آزار و اذیت دختر جوان را نداشتیم.

زندان

در پایان جلسه هیات قضایی وارد شور شد و

در دادگاه

این دو مرد دیروز در شعبه ۱۲ دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه ایستادند. در این جلسه دختر جوان گفت: پدرم مخالف ازدواج من با محمد است. من نمی توانم روی حرف پدرم حرفی بزنم و به خاطر اینکه محمد مرا ربوده از او دوستش شکایت دارم. سپس محمد ۲۲ ساله روبه روی قضات ایستاد و گفت: ما ترک هستیم و یک رسم قدیمی به نام «دختر بردن» داریم. وقتی کسی به خواستگاری دختر مورد علاقه اش می رود اما با مخالفت خانواده اش روبه روی شویم دختر جوان را همراه خود می برد تا خانواده اش راضی به این وصلت شود. من هم طبق این رسم قدیمی مهسا را همراه خودم به خانه دوست متاهلم بردم. اما کاری با او نداشتیم و فقط برای

خواستگار محاکمه شد

عروس ربایی برای نشستن سر سفره عقد!

خواستگاری به نام محمد داردامان مخالف این ازدواج هستیم. دیروز دخترم از خانه بیرون رفت و دیگر باز نگشت. گمان می کنم خواستگارش دخترم را ربوده باشد.

پلیس وارد عمل شد

با این شکایت پلیس به تحقیق پرداخت و محمد را دستگیر کرد. روشن شد محمد دختر جوان را ربوده است و به خانه یکی از دوستانش در شهریار برده و او را یک شب و دو روز در آنجا نگه داشته است. به این ترتیب دوست متاهل محمد نیز به اتهام معاونت در آدم ربایی بازداشت شد.

گروه حوادث: پسر جوان وقتی با مخالفت پدر دختر مورد علاقه اش برای ازدواج رو به رو شد دختر جوان را ربود و آن را به خانه دوست متاهلش برد. خواستگار دیروز به اتهام آدم ربایی پای میز محاکمه ایستاد و گفت طبق یک رسم قدیمی دست به این کار زده و نمی دانسته عملش جرم است.

ربودن مهسا

رسیدگی به این پرونده از تابستان سال ۹۶ به دنبال دزدیده شدن یک دختر ۱۸ ساله به نام مهسا در دستور کار پلیس پاکدشت قرار گرفت. پدر مهسا به پلیس گفت: مدتی است دخترم